وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ

و گفتند آنانی که امید ندارند دیدار به ما چرا نازل نشده بر ما فرشتگان

أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدِ ٱسْتَكْبَرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا

یا نمی‌بینیم پروردگار خود را [با چشم] به تحقیق بزرگ پنداشتند خود را در دل‌های خود و سرکشی کردند سرکشی بزرگی را

(۲۱) يَوْمَ يَرَوْنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ

(۲۱) روزی که بینند فرشتگان را هیچ مژده‌ای نیست در آن روز برای بزهکاران و[فرشتگان به بزهکاران] می گویند

حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲۲) وَقَدِمْنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا۟ مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَٰهُ

ممنوع [و] محروم اید [از رحمت الله] (۲۲) و می پردازیم به آنچه کردند از هر کاری و می سازیم آن را

هَبَآءً مَّنثُورًا (۲۳) أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا

غباری پراکنده (۲۳) اهل بهشت در آن روز خوش قرارگاه تر

وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (۲۴) وَيَوْمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلْغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ

و نیکو جایگاه ترند (۲۴) و روزی که بشکافد آسمان به سبب ابر و فروفرستاده شود فرشتگان

تَنزِيلًا (۲۵) ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى

فروفرستادنی (۲۵) فرمانروایی در آن روز ثابت است برای [الله] مهر گستر و باشد روزی بر

ٱلْكَٰفِرِينَ عَسِيرًا (۲۶) وَيَوْمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ

کافران دشوار (۲۶) و روزی که می گزد ستمکار دو دست خود را درحالی که می گوید

يَٰلَيْتَنِى ٱتَّخَذْتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷) يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخِذْ

ای کاش من درپیش گرفته بودم با پیامبر راهی را (۲۷) ای وای بر من کاش که من نمی گرفتم

فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸) لَّقَدْ أَضَلَّنِى عَنِ ٱلذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَآءَنِى ۗ

فلانی را به دوستی (۲۸) هر آینه گمراه کرد مرا از یاد [الله] پس از آنکه آمده بود به [سوی] من

وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا (۲۹) وَقَالَ ٱلرَّسُولُ

و هست شیطان آدمی را تنها گذارنده [وخوار کننده] (۲۹) و گوید پیامبر

يَٰرَبِّ إِنَّ قَوْمِى ٱتَّخَذُوا۟ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ مَهْجُورًا (۳۰) وَكَذَٰلِكَ

[ای] پروردگار من همانا قوم من ساختند این قرآن را متروک [به آن بی توجه شدند] (۳۰) و همچنین

جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا مِّنَ ٱلْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا

قرار دادیم برای هر پیامبری دشمنی را از بزهکاران و کافی است پروردگار تو که رهنما

وَنَصِيرًا (۳۱) وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلْقُرْءَانُ جُمْلَةً

و یاور باشد (۳۱) و گفتند آنان که کفر ورزیدند چرا فرود آورده نشد بر او آن قرآن همگی

وَٰحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَٰهُ تَرْتِيلًا (۳۲)

یکباره؟ این چنین [کم کم فرود آوردیم] تا ثابت و استوار گردانیم با آن دل تو را و خواندیم آن را [بر تو] به آرامی و پیاپی (۳۲)

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾
و نمی آورند[کافران] برای تو مَثَلی را مگر آنکه می آوریم برای تو [پاسخی] حق و نیکوترین تفسیر را ۳۳

ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُو۟لَٰٓئِكَ شَرٌّ
آنانی که محشور می شوند بر روی‌هایشان به سوی دوزخ آنان بدترین

مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
جایگاه را دارند و گمراه ترین اند ۳۴ و هر آینه دادیم به موسی کتاب را

وَجَعَلْنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾ فَقُلْنَا ٱذْهَبَآ إِلَى
و گردانیدیم همراه او برادرش هارون را همراه و یاور ۳۵ پس گفتیم بروید به سوی

ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا فَدَمَّرْنَٰهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾ وَقَوْمَ
آن قومی که تکذیب کردند آیات ما را پس هلاک ساختیم آنها را هلاک کردنی ۳۶ و قوم

نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا۟ ٱلرُّسُلَ أَغْرَقْنَٰهُمْ وَجَعَلْنَٰهُمْ لِلنَّاسِ
نوح را وقتی که تکذیب کردند پیامبران را غرق کردیم آنان را و قرار دادیم آنها را برای مردم

ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودَا۟
نشانهٔ [عبرتی] و آماده کرده‌ایم برای ستمکاران عذابی دردناک را ۳۷ و [هلاک ساختیم] عاد و ثمود

وَأَصْحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونًۢا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٨﴾ وَكُلًّا ضَرَبْنَا
و اهل چاه را و نسل‌های بسیاری را در این میان ۳۸ و برای هر یک [از آنان] زدیم

لَهُ ٱلْأَمْثَٰلَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى ٱلْقَرْيَةِ
مَثَل‌های [عبرت آمیز] را و همه را درهم شکستیم درهم شکستنی ۳۹ و هر آینه گذشتند[این مردم] بر آن آبادی

ٱلَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ ٱلسَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ يَكُونُوا۟ يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ
که بارانده شده بود بر آن باران بد آیا نمی‌دیدند آن را؟ [نه] بلکه

كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٤٠﴾ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ
امید نداشتند برانگیختن را ۴۰ و چون ببینند تو را نمی‌گیرند تو را

إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِى بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا ﴿٤١﴾ إِن كَادَ
مگر به ریشخند [وگویند] آیا این آن کس است که برانگیخته است الله او را به پیامبری؟ ۴۱ هر آینه نزدیک بود

لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَآ أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۚ وَسَوْفَ
که گمراه کند ما را از اله هایمان اگر شکیبایی نمی کردیم بر آنها و به زودی خواهند

يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ ٱلْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ أَرَءَيْتَ
دانست وقتی که ببینند عذاب را که چه کسی گمراه تر است ۴۲ آیا دیدی

مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾
آن را که گرفته است الهش را هوای خویش آیا تو هستی بر وی مراقب و نگهبان [که او را هدایت کنی]؟ ۴۳

أَمۡ تَحۡسَبُ أَنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُونَ أَوۡ يَعۡقِلُونَۚ إِنۡ هُمۡ إِلَّا

یا اینکه می پنداری که بیشترشان می‌شنوند یا خردورزی می کنند؟ نیستند آنان مگر

كَٱلۡأَنۡعَٰمِۖ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ

مانند چهارپایان بلکه اینان گمراه ترند (۴۴) آیا ننگریستی به [صنع] پروردگارت که چگونه کشیده است

ٱلظِّلَّ وَلَوۡ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنٗا ثُمَّ جَعَلۡنَا ٱلشَّمۡسَ عَلَيۡهِ دَلِيلٗا

سایه را؟ و اگر می‌خواست قرار می داد آنرا ساکن و بی حرکت آنگاه گردانیدیم آفتاب را بر آن راهنما

﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضۡنَٰهُ إِلَيۡنَا قَبۡضٗا يَسِيرٗا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ

(۴۵) آنگاه برمی گیریم آن را به سوی خود برگرفتنی[آهسته] و آرام و اندک (۴۶) و اوست آن‌که قرار داد

لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا وَٱلنَّوۡمَ سُبَاتٗا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورٗا ﴿٤٧﴾

برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و قرار داد روز را برای برخاستن و جنبشی (۴۷)

وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦۚ وَأَنزَلۡنَا

و اوست آن‌که فرستاد بادها را مژده دهنده پیشاپیش رحمت خود[باران] و فرود آوردیم

مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ طَهُورٗا ﴿٤٨﴾ لِّنُحۡـِۧيَ بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗا وَنُسۡقِيَهُۥ

از آسمان آبی پاک و پاک کننده را (۴۸) تازنده سازیم به آن زمین مرده را و بنوشانیم آن را

مِمَّا خَلَقۡنَآ أَنۡعَٰمٗا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرٗا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَٰهُ بَيۡنَهُمۡ

از جملهٔ آنچه آفریده ایم چهارپایان و مردمان بسیاری را (۴۹) و به تحقیق گوناگون قرار دادیم باران را در میان ایشان

لِيَذَّكَّرُواْ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ﴿٥٠﴾ وَلَوۡ شِئۡنَا

تا پند گیرند پس نخواستند بیشتر مردم جز ناسپاسی را (۵۰) و اگر می خواستیم

لَبَعَثۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٖ نَّذِيرٗا ﴿٥١﴾ فَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ

هر آینه می فرستادیم [در زمان تو نیز] در هر آبادی بیم دهنده‌ای را (۵۱) پس اطاعت مکن از کافران

وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا ﴿٥٢﴾ ۞ وَهُوَ ٱلَّذِي مَرَجَ

و جهاد کن با آنان به [حکم قرآن] جهادی بزرگ (۵۲) و اوست آنکه به هم آمیخته

ربع حزب ۳۷

ٱلۡبَحۡرَيۡنِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞ وَجَعَلَ بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٗا

دو دریا را این یک شیرین و گوارا و آن یک شور و تلخ است و قرار داد میان آن دو حائل

وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ مِنَ ٱلۡمَآءِ بَشَرٗا فَجَعَلَهُۥ

و مانعی بازدارنده را[تا در هم نیامیزند] (۵۳) و اوست آن‌که آفرید از آب [نطفه] بشری را پس قرار داد او را

نَسَبٗا وَصِهۡرٗاۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرٗا ﴿٥٤﴾ وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

به صورت نسب و دامادی [سبب] و هست پروردگار تو بسی توانا (۵۴) و می پرستند جز الله

مَا لَا يَنفَعُهُمۡ وَلَا يَضُرُّهُمۡۗ وَكَانَ ٱلۡكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرٗا ﴿٥٥﴾

چیزی را که نفع ندهد به آنان و نه ضرر رساند به آنان و هست کافر بر ضدّ پروردگار خود پشتیبان [شیطان] (۵۵)

وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ﴿٥٦﴾ قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ

و نفرستادیم تو را مگر مژده دهنده و بیم دهنده (۵۶) بگو نمی خواهم از شما بر این کار

مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلۡ

هیچ مزدی را جز آنکه هرکه خواهد اینکه [در پیش] بگیرد به سوی پروردگارش راهی را (۵۷) و توکل کن

عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ

بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد و به پاکی یاد کن همراه ستایش او و همین بس که او به گناهان

عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا

بندگان خود آگاه است (۵۸) آن که آفرید آسمان ها و زمین را و آنچه را میان آنهاست

فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۛ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَسۡـَٔلۡ بِهِۦ

در شش روز پس استیلا یافت بر عرش اوست [الله] مهرگستر پس بپرس دربارهٔ وی

خَبِيرٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْۤ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ

از [فردی] آگاه (۵۹) و چون گفته شود به آنان [کافران] که سجده کنید برای [الله] «رحمان» گویند کیست «رحمان»؟

أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا ۩ ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ ٱلَّذِي جَعَلَ

آیا سجده کنیم به آنچه که تو دستور می دهی ما را؟ و می افزاید بر رمیدن ایشان [این سخن] (۶۰) پربرکت است آن که قرار داد

سجده مستحب

فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجٗا وَقَمَرٗا مُّنِيرٗا ﴿٦١﴾ وَهُوَ

در آسمان برج هایی را و قرار داد در آنها چراغی و ماهی تابان را (۶۱) و اوست

ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ

آن که قرار داد شب و روز را جایگزین [یکدیگر] برای آن که بخواهد که پند گیرد یا بخواهد

شُكُورٗا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ

سپاس بگزارد (۶۲) و بندگان [الله] مهرگستر آنان اند که راه می روند بر زمین

هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ﴿٦٣﴾ وَٱلَّذِينَ

به آهستگی و فروتنی و چون خطاب کنند ایشان را نادانان گویند سخنی ملایم (۶۳) و آنان که

يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ﴿٦٤﴾ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ

شب می گذرانند برای پروردگار خود سجده کنان و قیام کنان (۶۴) و آنان که می گویند

رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

[ای] پروردگارما بازدار از ما عذاب دوزخ را همانا عذاب آن هست همیشگی

﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ﴿٦٦﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ

(۶۵) همانا آن بد قرارگاه و اقامتگاهی است (۶۶) و آنان که چون خرج می کنند

لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ﴿٦٧﴾

اسراف نمی کنند و تنگ و سخت نمی گیرند [در خرج کردن] و باشند میان آن دو [به راه] میانه (۶۷)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
و آنان که نمی خوانند با الله اله های دیگر را و نمی کشند آن نفسی را

الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ
که حرام گردانیده[قتل آن را] الله مگر به حق و زنا نمی‌کنند و هرکه بکند آن کار را خواهددید

أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ
کیفرگناه را (۶۸) دو چندان شود برای او عذاب در روز رستاخیز و جاوید ماند در آن

مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
به خواری (۶۹) مگر آنکه توبه کند و ایمان آوَرَد و انجام دهد کار شایسته را

فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
پس آنان تبدیل می کند الله بدی هایشان را به نیکی و هست الله بسیار آمرزندهٔ

رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ
مهربان (۷۰) و هرکه توبه کند و انجام دهد کار شایسته را پس هر آینه وی باز می‌گردد به سوی الله

مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ
بازگشتی [پسندیده] (۷۱) و آنان که شهادت ناراست نمی دهند و چون بگذرند بر چیز بیهوده

مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ
بگذرند بزرگوارانه (۷۲) و آنان که چون پند داده شوند به آیات پروردگارشان

لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا
نمی افتند بر آنها کران و کوران (۷۳) و آنان که می‌گویند [ای] پروردگارما

هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
عطا کن به ما از همسرانمان و فرزندانمان چشم روشنی و قرار ده ما را

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا
برای پرهیزکاران پیشوا [و الگو] (۷۴) آنان اند که پاداش داده شوند غرفهٔ[بهشتی] به سبب آنچه

صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ
صبر کردند روبه رو می شوند در آنجا با درود و سلامی (۷۵) جاوید باشند

فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي
در آن نیکو قرارگاه و اقامتگاهی است (۷۶) بگو اعتنایی نمی کند به شما پروردگار من

لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾
اگر نباشد دعا و عبادت شما پس شما[الله و پیامبرش را] دروغ انگاشتید پس به زودی باشد[کیفر آن] گریبانگیر[شما] (۷۷)

ترتیبها ۲۶

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

آیاتها ۲۲۷

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

طسٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ

طا، سین، میم ﴿۱﴾ این آیت های این کتاب روشنگر است ﴿۲﴾ مبادا تو هلاک کننده باشی خویشتن را

أَلَّا يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ

برای اینکه نمی‌شوند مؤمنان ﴿۳﴾ اگر خواهیم فرود می آوریم بر آنان از آسمان نشانه‌ای را پس گردد

أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ ﴿٤﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ

گردن‌های شان پیش آن فروتنان ﴿۴﴾ و نمی آید برایشان هیچ پندی از جانب [الله] مهرگستر [پندی] نو

إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا۟ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟

مگر باشند از آن رویگردان ﴿۵﴾ پس به درستی که تکذیب کردند پس زود آید به ایشان خبرهای آنچه آنان

بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ

به آن ریشخند می کردند ﴿۶﴾ آیا ننگریستند به زمین که چقدر رویانیدیم در آن از هر گونه[گیاه]

كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ وَإِنَّ

ارزشمندی را ﴿۷﴾ همانا در این [رویانیدن] نشانه ای است [از کمال قدرت ما] و نیستند بیشترشان ایمان آورندگان ﴿۸﴾ و همانا

رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٩﴾ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ

پروردگار توست همان پیروزمند مهربان ﴿۹﴾ [به یاد آور] آنگاه که ندا کرد پروردگار تو موسی را که بیا پیش این قوم

ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَخَافُ

ستمکار ﴿۱۰﴾ قوم فرعون آیا پرهیزکاری نمی‌کنند؟ ﴿۱۱﴾ گفت [ای] پروردگارم همانا من می‌ترسم

أَن يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى فَأَرْسِلْ

از اینکه تکذیب کنند مرا ﴿۱۲﴾ و تنگ می شود سینه ام و روانی ندارد زبانم پس بفرست

إِلَىٰ هَٰرُونَ ﴿١٣﴾ وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾ قَالَ

به سوی هارون [که همراه من باشد] ﴿۱۳﴾ و هست برای ایشان بر من [دعوای] گناهی پس می ترسم که کشند مرا ﴿۱۴﴾ گفت

كَلَّا فَٱذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ

نه، چنین نیست پس بروید هر دو با آیت های ما همانا ما با شماییم [و] شنوندهٔ [گفتار شما] ایم ﴿۱۵﴾ پس آیید هر دو نزد فرعون

فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

پس بگویید همانا ما فرستادهٔ پروردگار جهانیان ایم ﴿۱۶﴾ به اینکه بفرست با ما بنی اسرائیل را

﴿١٧﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾

﴿۱۷﴾ [فرعون] گفت آیا نپروردیم تو را در میان خود در کودکی و درنگ کردی در میان ما از عمرت؟ چند سال ﴿۱۸﴾

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِى فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٩﴾

و کردی [آن] کارت را که کردی حال آنکه تو از ناسپاسانی ﴿۱۹﴾

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿۲۰﴾ فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ

[موسی] گفت کردم آن کار را آن هنگام درحالی که من از گمراهان بودم [از نتیجهٔ کار خبر نداشتم] (۲۰) پس گریختم از شما چون ترسیدم از شما

فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْمًا وَجَعَلَنِى مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿۲۱﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا

پس بخشید به من پروردگار من حکمتی را و قرار داد مرا از پیامبران (۲۱) و این نعمتی است که منّت می نهی آن را

عَلَىَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿۲۲﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ

بر من که بردهٔ خود ساخته ای بنی اسرائیل را (۲۲) گفت فرعون وکیست پروردگار جهانیان؟

﴿۲۳﴾ قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ

(۲۳) [موسی] گفت پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر یقین کنندگانید

﴿۲۴﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿۲۵﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ

(۲۴) [فرعون] گفت به آنان که در گرداگرد او بودند آیا نمی شنوید؟ (۲۵) [موسی] گفت پروردگار شما و پروردگار پدران

ٱلْأَوَّلِينَ ﴿۲۶﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِىٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿۲۷﴾

پیشین شماست (۲۶) [فرعون] گفت همانا پیامبر شما که فرستاده شده به سوی شما دیوانه است (۲۷)

قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۲۸﴾ قَالَ

[موسی] گفت پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان آنهاست اگر عقل دارید [به این سخن ایمان بیاورید] (۲۸) [فرعون] گفت

لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِى لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ ﴿۲۹﴾ قَالَ

اگر بگیری الهی جز من هر آینه بگردانم تو را از زندانیان (۲۹) [موسی] گفت

أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ ﴿۳۰﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ

آیا اگرچه بیاورم برای تو چیز آشکاری را [معجزه ای روشن]؟ (۳۰) [فرعون] گفت بیاور آن را اگر هستی از

ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿۳۱﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿۳۲﴾ وَنَزَعَ يَدَهُۥ

راست گویان (۳۱) پس انداخت عصایش را پس ناگهان آن اژدهایی آشکار شد (۳۲) و برآورد دست خود را [از گریبان]

فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿۳۳﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ

پس ناگهان آن سفید درخشان بود برای بینندگان (۳۳) [فرعون] گفت به مهترانی که گرد او بودند همانا این شخص جادوگری است

عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِۦ فَمَاذَا

کاردان (۳۴) می خواهد که بیرون کند شما را از سرزمینتان با جادوی خود پس چه

تَأْمُرُونَ ﴿۳۵﴾ قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ

دستور می دهید؟ (۳۵) گفتند به تأخیر بینداز [کار] او را و برادرش را و بفرست در شهرها گردآورانی را

﴿۳۶﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿۳۷﴾ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ

(۳۶) [در این صورت] می آورند نزد تو هر جادوگر کاردانی را (۳۷) پس گردآوری شدند جادوگران

لِمِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۳۸﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿۳۹﴾

در موعد روزی معلوم (۳۸) و گفته شد به مردمان آیا شما گرد هم می آیید؟ (۳۹)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ

باشد که ما پیروی کنیم ساحران را اگر باشند ایشان غلبه کنندگان (۴۰) پس چون آمدند جادوگران

قَالُوا۟ لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ

گفتند به فرعون آیا به تحقیق برای ما باشد مزدی اگر باشیم ما غلبه کنندگان؟ (۴۱) [فرعون] گفت آری

وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُوا۟ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ

و همانا شما آن وقت البته از مقربان باشید (۴۲) گفت به آنها موسی بیفکنید آنچه را که شما افکنندگانید

﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْا۟ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا۟ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ

(۴۳) پس افکندند ریسمان هایشان و عصاهای خود را و گفتند به عزت فرعون سوگند همانا ما حتماً خود

ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

غالبیم (۴۴) پس انداخت موسی عصای خود را پس همانندم آن فرو می برد آنچه را بر ساخته بودند

﴿٤٥﴾ فَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ﴿٤٦﴾ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾

(۴۵) پس بر روی افتادند جادوگران سجده کنان (۴۶) گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان (۴۷)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿٤٨﴾ قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُۥ

پروردگار موسی و هارون (۴۸) [فرعون] گفت باور گردید به او پیش از آنکه اجازه دهم به شما؟ همانا او

لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ

بزرگ شماست که تعلیم داده است به شما جادو را پس هر آینه زود خواهید دانست هر آینه ببُرم دست های شما

وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُوا۟ لَا ضَيْرَ ۖ إِنَّآ

و پاهایتان را خلاف یکدیگر و قطعا بردارکشم شما را همگی (۴۹) [جادوگران] گفتند باکی نیست به درستی که ما

إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ

به سوی پروردگار خود بازگردندگانیم (۵۰) همانا ما امید داریم که بیامرزد برای ما پروردگار ما خطاهای ما را زیرا که بودیم

أَوَّلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ ۞ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِىٓ إِنَّكُم

از نخستین ایمان آورندگان (۵۱) و وحی فرستادیم به موسی که شبانه کوچ بده بندگانم را همانا شما

سه چهارم حزب ۳۷

مُّتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ

تعقیب می شوید (۵۲) پس فرستاد فرعون در شهرها گردآورانی را (۵۳) [فرعون گفت] به درستی که اینان

لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ

گروهی اندک اند (۵۴) و همانا آنان ما را به خشم آورده اند (۵۵) و همانا ما همه گروهی آماده ایم [برای جنگ]

﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾

(۵۶) پس بیرون راندیم آنان را از باغ ها و چشمه ها (۵۷) و گنج ها و جایگاهی نیکو (۵۸)

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾ فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

این گونه [نعمت ها را از آنان گرفتیم] و به میراث دادیم آن را به بنی اسرائیل (۵۹) پس تعقیب کردند آنان را هنگام برآمدن آفتاب (۶۰)

فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ

پس چون دیدند هر دو گروه یکدیگر را گفتند همراهان موسی همانا ما گرفتار شدگانیم ﴿۶۱﴾ گفت [موسی]

كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب

نه، هرگز همانا با من است پروردگار من به زودی راه نماید مرا ﴿۶۲﴾ پس وحی فرستادیم به موسی که بزن

بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

با عصای خود دریا را پس [دریا] شکافت پس شد هر پاره ای [از آن] مانند کوه بزرگ ﴿۶۳﴾

وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ﴿٦٥﴾

و نزدیک آوردیم آنجا دیگران را ﴿۶۴﴾ و نجات دادیم موسی و آنانی را که با او بودند همگی ﴿۶۵﴾

ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم

سپس غرق کردیم دیگران را ﴿۶۶﴾ همانا در این[داستان] نشانهٔ [عبرتی] است ولی نبودند بیشترشان

مُّؤۡمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ

مؤمنان ﴿۶۷﴾ و همانا پروردگار توست همان پیروزمند مهربان ﴿۶۸﴾ و بخوان بر ایشان

نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُواْ

خبر ابراهیم را ﴿۶۹﴾ آنگاه که گفت به پدر خود و قومش چه چیزی را می پرستید؟ ﴿۷۰﴾ گفتند

نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ

می پرستیم بتانی را پس پیوسته برای آنها ملازم تعظیم هستیم ﴿۷۱﴾ گفت آیا می شنوند سخن شما را آنگاه که

تَدۡعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا

[آنها را] فرا می خوانید؟ ﴿۷۲﴾ یا سود می رسانند به شما یا زیان می زنند؟ ﴿۷۳﴾ گفتند [نه،] بلکه یافتیم پدران خود را

كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنتُمۡ

که چنین می کردند ﴿۷۴﴾ [ابراهیم] گفت آیا دیده اید [اندیشیده اید] آنچه را که می پرستیدید؟ ﴿۷۵﴾ شما

وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ

و پدران پیشینیان شما؟ ﴿۷۶﴾ پس همانا آنها دشمنان من اند مگر پروردگار جهانیان

﴿٧٧﴾ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ﴿٧٨﴾ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ

﴿۷۷﴾ آن که بیافرید مرا پس اوست که راه می نماید مرا ﴿۷۸﴾ و آن که خود می خوراند مرا و می نوشاند مرا

﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ﴿٨٠﴾ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ

﴿۷۹﴾ و چون بیمار شوم پس او شفا می دهد مرا ﴿۸۰﴾ و آن که می میراند مرا سپس

يُحۡيِينِ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓـَٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ

زنده می گرداند مرا ﴿۸۱﴾ و آن که امید دارم که بیامرزد برای من خطاهای مرا روز جزا

﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٣﴾

﴿۸۲﴾ [ای] پروردگارم عطا کن مرا حکمتی را و ملحق کن مرا به شایستگان ﴿۸۳﴾

وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ

و قرار ده برای من زبانِ راستینی را[نام نیکی] در آیندگان (۸۴) و قرار ده مرا از وارثان بهشت

ٱلنَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ

پرنعمت (۸۵) و بیامرز پدرم را همانا او هست از گمراهان (۸۶) و رسوا مکن مرا روزی که

يُبۡعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ

برانگیخته شوند (۸۷) روزی که سود نمی رساند دارایی و نه فرزندان (۸۸) مگر کسی که بیاید نزد الله با دلی

سَلِيمٖ ﴿٨٩﴾ وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ

سالم [از هر آلودگی] (۸۹) و نزدیک شود بهشت برای پروایپیشگان (۹۰) و آشکار شود دوزخ برای گمراهان

﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ

(۹۱) و گفته شود به ایشان کجاست آنچه می پرستیدید (۹۲) به جای الله؟ آیا یاری می دهند شما را

أَوۡ يَنتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾ فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ

یا می توانند خود را یاری دهند؟ (۹۳) پس بر روی انداخته شوند در آن[دوزخ] آنها و گمراهان (۹۴) و لشکرهای شیطان

أَجۡمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي

همگی (۹۵) گویند درحالی که ایشان در آن[دوزخ] ستیزه می کنند (۹۶) سوگندبه الله که همانا ما بودیم در

ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَآ أَضَلَّنَآ

گمراهی آشکار (۹۷) چون برابر می ساختیم شما را با پروردگار جهانیان (۹۸) و گمراه نکردند ما را

إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ﴿١٠١﴾

مگر بزهکاران (۹۹) پس نیست برای ما هیچ کس از شفاعت کنندگان (۱۰۰) و نه [حتی] دوستی مهربان (۱۰۱)

فَلَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ

پس ای کاش بودی ما را بازگشتی [به دنیا] تا می شدیم از مؤمنان (۱۰۲) همانا در این [داستان] نشانه ای است ولی نبودند

أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتۡ

بیشترشان مؤمنان (۱۰۳) و همانا پروردگار توست همان پیروزمند مهربان (۱۰۴) تکذیب کردند

قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾

قوم نوح پیامبران را (۱۰۵) [یادکن] آنگاه که گفت به ایشان برادرشان نوح آیا پروا نمی کنید (۱۰۶)

إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٠٧﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٠٨﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ

همانا من برای شما فرستاده ای امین هستم (۱۰۷) پس پروا بدارید از الله و فرمان برید مرا (۱۰۸) ونمی خواهم از شما

عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

بر این [رسالت خود] هیچ مزدی را نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان (۱۰۹) پس پروا کنید از الله

وَأَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾ ۞ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلۡأَرۡذَلُونَ ﴿١١١﴾

وفرمان برید مرا (۱۱۰) گفتند آیا ایمان آوریم به تو حال آنکه پیروی کردند تو را فرومایگان (۱۱۱)

قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي

[نوح] گفت چه می دانم به آنچه می کنند؟ ۱۱۲ نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من

لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ

اگر در یابید ۱۱۳ و نیستم من طردکنندهٔ مؤمنان ۱۱۴ نیستم من مگر بیم دهنده ای آشکار

﴿١١٥﴾ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ

۱۱۵ گفتند اگر بازنایستی ای نوح [از این کار] هر آینه می شوی از سنگسارشدگان ۱۱۶ [نوح] گفت

رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ

[ای] پروردگارم بی گمان قوم من تکذیب کردند مرا ۱۱۷ پس داوری کن میان من و میان آنان داوری ای و نجات بده مرا و آنان را که

مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

با من اند از مؤمنان ۱۱۸ پس نجات دادیم او را و آنان را که با او بودند در کشتی پربار

﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ

۱۱۹ سپس غرق ساختیم پس از آن باقی‌ماندگان را ۱۲۰ همانا در این[ماجرا] نشانه ای است و نبودند

أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ

بیشترشان مؤمنان ۱۲۱ و همانا پروردگار توست همان پیروزمند مهربان ۱۲۲ تکذیب کردند

عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ

[قوم] عاد پیامبران را ۱۲۳ چون گفت به آنان برادرشان هود آیا پروا نمی کنید [از عذاب الله] ۱۲۴ همانا من برایتان

رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٦﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ

فرستاده ای امین هستیم ۱۲۵ پس پروا کنید از الله و فرمان برید مرا ۱۲۶ و نمی خواهم از شما بر این [تبلیغ رسالت]

مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ

هیچ مزدی را نیست مزد من مگر برعهدهٔ پروردگار جهانیان ۱۲۷ آیا بنا می کنید به هر جای بلندی

آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾

نشانه ای را بیهوده کاری می کنید؟ ۱۲۸ و می سازید قصرهای استوار را شاید که شما جاویدان بمانید؟ ۱۲۹

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾

و چون به کیفر دست می گشایید دست می گشایید زورمندانه؟ ۱۳۰ پس پروا کنید از الله و فرمان برید مرا ۱۳۱

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾

و پروا کنید از آن کسی که یاری داده شما را به آنچه می دانید ۱۳۲ یاری داده شما را با چهارپایان دامی و فرزندان ۱۳۳

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

و باغ ها و چشمه ها ۱۳۴ همانا من می ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ

﴿١٣٥﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

۱۳۵ گفتند یکسان است بر ما چه پند دهی ما را یا نباشی از پند دهندگان ۱۳۶

إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ

نیست این مگر خوی و روش پیشینیان ﴿۱۳۷﴾ و نیستیم ما عذاب شدگان ﴿۱۳۸﴾ پس تکذیب کردند او را

فَأَهۡلَكۡنَٰهُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ وَإِنَّ

پس هلاک ساختیم آنان را همانا در این داستان نشانه‌ای است و نبودند بیشترشان مؤمنان ﴿۱۳۹﴾ و همانا

رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذۡ قَالَ

پروردگار توست همان پیروزمند مهربان ﴿۱۴۰﴾ تکذیب کردند [قوم] ثمود پیامبران را ﴿۱۴۱﴾ آنگاه که گفت

لَهُمۡ أَخُوهُمۡ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٤٣﴾

به آنان برادرشان صالح آیا پروا نمی کنید؟ ﴿۱۴۲﴾ همانا من برای شما فرستاده‌ای امین هستیم ﴿۱۴۳﴾

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٤٤﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ

پس پروا کنید از الله و فرمان برید مرا ﴿۱۴۴﴾ و نمی خواهم از شما بر این [تبلیغ رسالت] هیچ مزدی را نیست مزد من

إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتۡرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾

مگر بر پروردگار جهانیان ﴿۱۴۵﴾ آیا رها گذاشته می شوید در آنچه که اینجاست حال آنکه در امان باشید؟ ﴿۱۴۶﴾

فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٖ وَنَخۡلٖ طَلۡعُهَا هَضِيمٞ ﴿١٤٨﴾

در باغ ها و چشمه سارها ﴿۱۴۷﴾ و کشت ها و نخلی که خوشه اش در هم فرو رفته است ﴿۱۴۸﴾

وَتَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا فَٰرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ

و می تراشید از کوه ها خانه هایی را ماهرانه؟ ﴿۱۴۹﴾ پس پروا کنید از الله و فرمان برید مرا

﴿١٥٠﴾ وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ

﴿۱۵۰﴾ و اطاعت نکنید فرمان اسرافکاران را ﴿۱۵۱﴾ آنانی که فساد می کنند در زمین

وَلَا يُصۡلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَآ أَنتَ

و اصلاح نمی کنند ﴿۱۵۲﴾ گفتند جز این نیست که تو از جادو شدگانی ﴿۱۵۳﴾ نیستی تو

إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا فَأۡتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ

مگر آدمی مانند ما پس بیاور نشانه ای را اگر هستی از راستگویان ﴿۱۵۴﴾ [صالح] گفت

هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا

این ماده شتری است برای آن نوبت نوشیدن آب و برای شماست نوبت نوشیدن روز معینی ﴿۱۵۵﴾ و مس مکنید آن را

بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَأَصۡبَحُواْ

به بدی [به او بدی مرسانید] زیرا بگیرد شما را عذاب روزی بزرگ ﴿۱۵۶﴾ پس پی کردند آن را پس گشتند

نَٰدِمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ

پشیمان ﴿۱۵۷﴾ پس گرفت آنان را عذاب همانا در این[داستان] نشانه ای است و نبودند

أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

بیشترشان مؤمنان ﴿۱۵۸﴾ و همانا پروردگار توست همان پیروزمند مهربان ﴿۱۵۹﴾

كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ

تکذیب کردند قوم لوط پیامبران را ﴿۱۶۰﴾ آنگاه که گفت به آنان برادرشان لوط آیا پروا نمی کنید

﴿١٦١﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٦٢﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٦٣﴾ وَمَآ

﴿۱۶۱﴾ همانا من برای شما فرستاده ای امین هستم ﴿۱۶۲﴾ پس پروا کنید از الله و فرمان برید مرا ﴿۱۶۳﴾ و

أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦٤﴾

نمی خواهم از شما به این[تبلیغ رسالت] هیچ مزدی را نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان ﴿۱۶۴﴾

أَتَأۡتُونَ ٱلذُّكۡرَانَ مِنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمۡ رَبُّكُم

آیا درمی آمیزید با مردان در میان مردمان جهان ﴿۱۶۵﴾ و می گذارید آنچه را که آفریده است برای شما پروردگارتان

مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰلُوطُ

از زنان شما؟ بلکه شما قومی تجاوزکارید ﴿۱۶۶﴾ گفتند اگر [از این تبلیغ] بازنایستی ای لوط

لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُخۡرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلۡقَالِينَ ﴿١٦٨﴾

هر آینه باشی از اخراج شدگان ﴿۱۶۷﴾ گفت همانا من از کردار شما از بیزاران هستم[از دشمنان عمل شما] ﴿۱۶۸﴾

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهۡلِي مِمَّا يَعۡمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ﴿١٧٠﴾

[ای] پروردگارم نجات بده مرا و خاندان مرا از [کیفر] آنچه می کنند ﴿۱۶۹﴾ پس نجات دادیم او را و خانوادهٔ او را همگی ﴿۱۷۰﴾

إِلَّا عَجُوزٗا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم

مگر پیرزنی در [زمرهٔ] باقی ماندگان ﴿۱۷۱﴾ سپس هلاک ساختیم دیگران را ﴿۱۷۲﴾ و باراندیم بر آنان

مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم

بارانی [سخت را] پس بد بود باران بیم داده شدگان ﴿۱۷۳﴾ همانا در این[داستان] نشانه ای است و نبودند بیشتر شان

مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ

مؤمنان ﴿۱۷۴﴾ و همانا پروردگار توست همان پیروزمند مهربان ﴿۱۷۵﴾ تکذیب کردند اهالی

لۡـَٔيۡكَةِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ شُعَيۡبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّي لَكُمۡ

ایکه پیامبران را ﴿۱۷۶﴾ آنگاه گفت به آنان شعیب آیا پروا نمی کنید ﴿۱۷۷﴾ همانا من برای شما

رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٧٨﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٧٩﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ

فرستاده ای امین هستم ﴿۱۷۸﴾ پس پروا کنید از الله و فرمان برید مرا ﴿۱۷۹﴾ و نمی خواهم از شما بر این [تبلیغ رسالت]

مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٨٠﴾ ۞ أَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَلَا

هیچ مزدی را نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان ﴿۱۸۰﴾ پر کرده دهید پیمانه را و

تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُخۡسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾

مباشید از کم دهندگان ﴿۱۸۱﴾ و وزن کنید به ترازوی راست ﴿۱۸۲﴾

وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

و کم مگذارید برای مردمان چیزهایشان را [از اجناس مردم چیزی را نکاهید] و فساد مکنید در زمین تبهکارانه ﴿۱۸۳﴾

ربع حزب ۳۸

وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلْجِبِلَّةَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٨٤﴾ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ
و پروا کنید از آن که آفریده شما را و نسل های پیشین را ﴿۱۸۴﴾ گفتند جز این نیست که تو

مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ
از جادوشدگانی ﴿۱۸۵﴾ و نیستی تو مگر آدمی مانند ما و هر آینه می پنداریم تو را از

ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ إِن كُنتَ
دروغ گویان ﴿۱۸۶﴾ پس بیفکن بر ما پاره ای از آسمان را اگر هستی

مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّىٓ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
از راست گویان ﴿۱۸۷﴾ [شعیب] گفت پروردگار من داناتر است به آنچه می کنید ﴿۱۸۸﴾ پس تکذیب کردند او را

فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾
پس گرفت آنان را عذاب روز ابر [آتشبار] همانا آن بود عذاب روزی بزرگ ﴿۱۸۹﴾

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ
همانا در این داستان نشانه ای است و نبودند بیشترشان مؤمنان ﴿۱۹۰﴾ و همانا پروردگارتوست همان

ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ
پیروزمند مهربان ﴿۱۹۱﴾ و همانا آن [قرآن] فرود آوردهٔ پروردگار جهانیان است ﴿۱۹۲﴾ فرود آورده است آن را فرشتهٔ

ٱلْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِىٍّ مُّبِينٍ
امانت دار [جبرئیل] ﴿۱۹۳﴾ بر دل تو تا شوی از بیم دهندگان ﴿۱۹۴﴾ به زبان عربی روشن

﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُۥ لَفِى زُبُرِ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ ءَايَةً أَن يَعْلَمَهُۥ
﴿۱۹۵﴾ و همانا [خبر] این [قرآن] در کتاب های پیشینیان است ﴿۱۹۶﴾ آیا نیست برای ایشان [مشرکان قریش] نشانهٔ اینکه می دانند [حقانیت] آن را

عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَٰهُ عَلَىٰ بَعْضِ ٱلْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾
علمای بنی اسرائیل ﴿۱۹۷﴾ و اگر نازل می کردیم آن را بر یکی از غیر عرب زبانان ﴿۱۹۸﴾

فَقَرَأَهُۥ عَلَيْهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَٰهُ
پس می خواند آن را بر آنان نمی شدند به آن مؤمنان ﴿۱۹۹﴾ این چنین راه دادیم آن را

فِى قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِۦ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلْعَذَابَ
در دل های مجرمان ﴿۲۰۰﴾ ایمان نمی آوردند به آن [قرآن] تا آنکه ببینند عذاب

ٱلْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُواْ
دردناک را ﴿۲۰۱﴾ پس آید به آنان ناگهان درحالی که آنان درنیابند [بی خبر باشند] ﴿۲۰۲﴾ پس گویند

هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَءَيْتَ
آیا هستیم ما مهلت داده شدگان ﴿۲۰۳﴾ آیا عذاب ما را به شتاب می طلبند ﴿۲۰۴﴾ آیا دیدی [به من خبر ده]

إِن مَّتَّعْنَٰهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾
اگر بهره مند گردانیم آنان را سال ها ﴿۲۰۵﴾ پس بیاید برای آنان آن [عذابی] که وعده داده شدند ﴿۲۰۶﴾

مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا
بی نیاز نسازد از آنان آنچه [از آن] بهره می گرفتند (۲۰۷) و هلاک نکردیم هیچ آبادی ای را مگر

لَهَا مُنذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢٠٩﴾ وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ
بود برای آن بیم دهندگانی (۲۰۸) برای پند دادن و نبوده ایم ستمکاران (۲۰۹) و فرود نیاورده اند قرآن را

ٱلشَّيَٰطِينُ ﴿٢١٠﴾ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ إِنَّهُمۡ
شیاطین (۲۱۰) سزاوار نیست برای آنان و نمی توانند (۲۱۱) همانا آنان

عَنِ ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ ﴿٢١٢﴾ فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ
از شنیدن [کلام ملائکه] برکنارند (۲۱۲) پس مخوان با الله اله دیگری را که می شوی

مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾ وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَٱخۡفِضۡ
از عذاب شدگان (۲۱۳) و بیم ده قبیلهٔ نزدیک تر خود را (۲۱۴) و فرودآور

جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢١٥﴾ فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي
بال [فروتنی] خود را برای آنان که پیروی کردندتو را از مؤمنان (۲۱۵) پس اگر نافرمانی کردند ازتو پس بگو همانا من

بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ ٱلَّذِي
بیزارم از آنچه شما می کنید (۲۱۶) و توکل کن بر آن پیروزمندِ مهربان (۲۱۷) آن که

يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
می بیند تو را وقتی که برمی خیزی [برای عبادت] (۲۱۸) وحرکت تو را در میان سجده کنندگان (۲۱۹) همانا او هست آن شنوای

ٱلۡعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ﴿٢٢١﴾ تَنَزَّلُ عَلَىٰ
دانا (۲۲۰) آیا خبر دهم شما را که بر چه کسی فرود می آیند شیاطین (۲۲۱) فرود می آیند بر

كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ﴿٢٢٢﴾ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾
هر دروغگوی گنهکار (۲۲۲) القاء می کنند [سخن] شنیده را [به همنوعان خود] و بیشترشان دروغگویان‌اند (۲۲۳)

وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٖ
و شاعران پیروی می کنند از آنان گمراهان (۲۲۴) آیا ندیدی که آنان در هر وادیی

يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ
سرگردان اند (۲۲۵) و اینکه آنان می گویند چیزهایی را که خود عمل نمی کنند (۲۲۶) مگر آنان که

ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ
ایمان آورند و کردند کارهای شایسته و یاد کردند الله را بسیار و انتقام گرفتند پس از

بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾
آنکه مورد ستم قرار گرفتند و به زودی خواهند دانست کسانی که ستم کرده اند به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت (۲۲۷)

ترتیبها ۲۷

سُورَةُ النَّمۡلِ

آیاتها ۹۳

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

طسٓۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٍ ﴿١﴾ هُدٗى وَبُشۡرَىٰ

طاء، سین این آیات قرآن و کتابی روشنگر است (۱) هدایت و مژده است

لِلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢﴾ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم

برای مؤمنان (۲) آنان که بپا می دارند نماز را و می دهند زکات را و ایشان

بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ

به آخرت خود یقین دارند (۳) همانا آنان که ایمان ندارند به آخرت آراسته ایم برای شان

أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿٤﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ

کردارهایشان را پس آنان سرگردان اند (۴) آنان کسانی اند که برای شان است بدی عذاب

وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ﴿٥﴾ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن

و آنان در آخرت خود زیان کارترین اند (۵) و به درستی که تو القاء و آموخته می شود به تو قرآن از

لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾ إِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهۡلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا سَـَٔاتِيكُم

نزد سنجیده کاری دانا (۶) [یاد کن] آنگاه که گفت موسی به اهل خود همانا من دیدم آتشی را به زودی بیاورم برای شما

مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ ءَاتِيكُم بِشِهَابٖ قَبَسٖ لَّعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا

از آن خبری را یا بیاورم برای شما شعله ای افروخته را باشد که شما گرم شوید (۷) پس چون

جَآءَهَا نُودِيَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ

آمد نزد آن [آتش] ندا کرده شد که برکت داده شد کسی که در آتش است و کسی که گرداگرد آن است و پاک است الله که پروردگار

ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٨﴾ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٩﴾ وَأَلۡقِ عَصَاكَۚ

جهانیان است (۸) ای موسی حقیقت این است که منم الله آن پیروزمند سنجیده کار (۹) و بیفکن عصای خود را

فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفۡ

پس چون دید آن را که حرکت می کند گویا آن ماری است روی گردانید پشت کنان و به عقب برنگشت [الله] گفت ای موسی مترس

إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسۡنَۢا بَعۡدَ

همانا من نمی ترسند نزد من پیامبران (۱۰) لیکن کسی که ستم کرد آنگاه جایگزین کرد نیکی را پس از

سُوٓءٖ فَإِنِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١١﴾ وَأَدۡخِلۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ

بدی پس همانا من آمرزنده ای مهربانم (۱۱) و داخل کن دست خود را در گریبانت که بیرون آید سفید

مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖۖ فِي تِسۡعِ ءَايَٰتٍ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَقَوۡمِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ

بدون هیچ آسیبی [و این نشانه ای است] درمیان نه معجزه ای که به سوی فرعون و قوم او [می روی] همانا آنها هستند گروهی نافرمان

﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَٰتُنَا مُبۡصِرَةٗ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ﴿١٣﴾

(۱۲) پس چون آمد برای آنان نشانه های ما روشنگرانه گفتند این جادویی است آشکار (۱۳)

وَجَحَدُوا۟ بِهَا وَٱسْتَيْقَنَتْهَآ أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَٱنظُرْ كَيْفَ
و انکار کردند آنها را درحالی که یقین کرده بود آن را دل هایشان از روی ستمکاری و برتری جویی پس بنگر که چگونه

كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ عِلْمًا
شد فرجام کار تبهکاران (۱۴) و به تحقیق دادیم به داوود و سلیمان دانشی را

وَقَالَا ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾
و گفتند سپاس برای الله که برتری داد ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود (۱۵)

وَوَرِثَ سُلَيْمَٰنُ دَاوُۥدَ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ ٱلطَّيْرِ
و ارث برد سلیمان از داوود و گفت ای مردم به ما آموخته شده است گفتار مرغان

وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَىْءٍ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَحُشِرَ
و داده شده به ما از هر چیزی همانا این آن برتری آشکار است (۱۶) و گردآوری شدند

لِسُلَيْمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ وَٱلطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾
برای سلیمان لشکرهای او از جن و آدمیان و مرغان پس آنان بازداشته می شدند[از پراکندگی] (۱۷)

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوْا۟ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّمْلُ ٱدْخُلُوا۟
[رفتند] تا آنگاه که رسیدند به درهٔ مورچگان گفت مورچه ای ای مورچگان داخل شوید

مَسَٰكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
در مسکن های خود تا پایمال نکنند شما را سلیمان و لشکریان او درحالی که ایشان نفهمند[ناآگاهانه شما را درهم نکوبند]

﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِىٓ أَنْ أَشْكُرَ
(۱۸) پس لبخند زد شادمانه از سخن مورچه و گفت [ای] پروردگارم در دلم افکن که شکر کنم

نِعْمَتَكَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَٰلِحًا
آن نعمت تو را که ارزانی داشته‌ای بر من و بر پدر و مادر من و اینکه بکنم کار شایسته‌ای

تَرْضَىٰهُ وَأَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٩﴾
که می‌پسندی آن را و داخل گردان مرا به رحمت خود در زمرهٔ بندگان شایسته ات (۱۹)

وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِىَ لَآ أَرَى ٱلْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ
و جویا شد [حال] پرندگان را پس گفت چه شده است مرا که نمی بینم هدهد را یا هست از

ٱلْغَآئِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَا۟ذْبَحَنَّهُۥٓ
غائبان (۲۰) هر آینه عذاب کنم او را عذابی سخت یا ذبح کنم او را

أَوْ لَيَأْتِيَنِّى بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ
یا بیاورد برای من دلیلی روشنی را (۲۱) پس [هدهد] درنگ کرد نه چندان دور [چون حاضر شد]گفت

أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍۭ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾
آگاهی یافته ام به چیزی که آگاهی نیافته ای به آن و آورده ام برای تو از سبا خبری قطعی را (۲۲)

إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا
همانا من یافتم زنی را که پادشاهی می کند بر ایشان و داده شده است [به او] از هر چیزی و برای او

عَرۡشٌ عَظِيمٞ ﴿٢٣﴾ وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن
تختی است بزرگ ﴿۲۳﴾ یافتم او و قومش را که سجده می کنند برای آفتاب به

دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ
جای الله و آراسته است برای آنان شیطان کردارهایشان را پس بازداشته آنان را از راه [حق]

فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَّا يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ
پس آنان راه نمی یابند ﴿۲۴﴾ تا اینکه سجده نکنند برای الله که بیرون می آورد نهان را

فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ﴿٢٥﴾ ٱللَّهُ
در آسمان ها و زمین و می داند آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می کنید ﴿۲۵﴾ الله است

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩ ﴿٢٦﴾ ۞ قَالَ سَنَنظُرُ
که نیست هیچ الهی مگر او پروردگار آن عرش بزرگ ﴿۲۶﴾ [سلیمان] گفت اکنون می بینیم

سجده مستحب — سه چهارم حزب ۳۸

أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٢٧﴾ ٱذۡهَب بِّكِتَٰبِي هَٰذَا
که آیا راست گفتی یا هستی از دروغگویان ﴿۲۷﴾ ببر این نامهٔ مرا

فَأَلۡقِهۡ إِلَيۡهِمۡ ثُمَّ تَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَٱنظُرۡ مَاذَا يَرۡجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا
پس بینداز آن را به سوی آنها سپس کناره گیر از آنان پس بنگر که چه پاسخی می دهند ﴿۲۸﴾ [بلقیس] گفت ای

ٱلۡمَلَؤُاْ إِنِّيٓ أُلۡقِيَ إِلَيَّ كِتَٰبٞ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ
بزرگان [دربار] همانا انداخته شده نزد من نامه ای ارجمند ﴿۲۹﴾ همانا آن از [طرف] سلیمان است و همانا آن[این است] به نام

ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ﴿٣١﴾
الله مهرگستر مهربان ﴿۳۰﴾ [با این مضمون] که برتری مجویید بر من و بیایید پیش من تسلیم شدگان ﴿۳۱﴾

قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ
[بلقیس]گفت ای بزرگان [دربار] نظر دهید مرا در کار من نبوده ام تصمیم گیرنده در هیچ کاری تا

تَشۡهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُواْ نَحۡنُ أُوْلُواْ قُوَّةٖ وَأُوْلُواْ بَأۡسٖ شَدِيدٖ وَٱلۡأَمۡرُ إِلَيۡكِ
نزدم[برای مشورت] حضور یابید ﴿۳۲﴾ گفتند ما صاحبان نیرویی [بزرگ] و رزم آورانی دلیریم و فرمان با توست

فَٱنظُرِي مَاذَا تَأۡمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتۡ إِنَّ ٱلۡمُلُوكَ إِذَا دَخَلُواْ قَرۡيَةً
پس ببین چه فرمان می دهی ﴿۳۳﴾ [بلقیس] گفت همانا پادشاهان چون درآیند به آبادی ای

أَفۡسَدُوهَا وَجَعَلُوٓاْ أَعِزَّةَ أَهۡلِهَآ أَذِلَّةٗۚ وَكَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ﴿٣٤﴾
تباه کنند آن را و می گردانند عزتمندان اهل آن را ذلیلان و همواره چنین می کنند ﴿۳۴﴾

وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٣٥﴾
و همانا من فرستنده ام به سوی ایشان هدیه ای را پس منتظر خواهم ماند با چه پاسخی برمی گردند فرستادگان ﴿۳۵﴾

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ
پس چون آمدند نزد سلیمان گفت آیا کمک می کنید مرا با مالی [ناچیز] پس آنچه داده است به من الله بهتر است از آنچه

ءَاتَىٰكُم بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ ﴿٣٦﴾ ٱرۡجِعۡ إِلَيۡهِمۡ فَلَنَأۡتِيَنَّهُم
داده است به شما بلکه شما به هدیهٔ خود شادمانید (۳۶) باز گرد به سویشان پس حتما می آییم به سراغشان

بِجُنُودٖ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخۡرِجَنَّهُم مِّنۡهَآ أَذِلَّةٗ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ﴿٣٧﴾ قَالَ
با لشکرهایی که یارای مقابله نباشد برایشان با آنها و قطعا بیرون کنیم آنان را از آنجا با ذلت درحالی که آنان خوار باشند (۳۷) [سلیمان] گفت

يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا قَبۡلَ أَن يَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ﴿٣٨﴾
ای بزرگان [دربار] کدام یک از شما می آورد پیش من تخت او را پیش از آنکه بیایند نزد من تسلیم شدگان (۳۸)

قَالَ عِفۡرِيتٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ وَإِنِّي
گفت قهرمانی از جن من می آورم پیش تو آن را پیش از اینکه برخیزی از جای خود و همانا من

عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٞ ﴿٣٩﴾ قَالَ ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ
بر آن تخت بس نیرومند امانت دارم (۳۹) گفت کسی که نزد او بود دانشی از کتاب [الهی] من می آورم نزد تو

بِهِۦ قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا
آن را پیش از آنکه بازگردد به سوی تو پلک چشم تو پس چون دید [سلیمان] آن را پای برجا در نزد خود گفت این

مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ
از بخشش پروردگار من است تا بیازماید مرا که آیا شکر گزاری می کنم یا ناسپاسی می نمایم و هر که شکرگزاری کند پس جز این نیست که شکرگزاری می کند

لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكِّرُواْ لَهَا عَرۡشَهَا
به سود خود و هرکه ناسپاسی کند پس به درستی که پروردگار من بی نیازی ارجمند است (۴۰) [سلیمان] گفت ناشناخته سازید برای او تختش را

نَنظُرۡ أَتَهۡتَدِيٓ أَمۡ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهۡتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا جَآءَتۡ قِيلَ
تا بنگریم پی می برد [به آن] یا می شود از آنانی که پی نمی برند (۴۱) پس آنگاه [بلقیس] آمد گفته شد [به او]

أَهَٰكَذَا عَرۡشُكِۖ قَالَتۡ كَأَنَّهُۥ هُوَۚ وَأُوتِينَا ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهَا وَكُنَّا مُسۡلِمِينَ
آیا اینچنین است تخت تو؟ گفت گویا این همان است و داده شد به ما آگاهی [از قدرت سلیمان] پیش از این و بوده ایم تسلیم شدگان

﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعۡبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ إِنَّهَا كَانَتۡ مِن قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ
(۴۲) و [سلیمان] بازداشت او را از آنچه می پرستید غیر از الله همانا او بود از گروه کافران

﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَۖ فَلَمَّا رَأَتۡهُ حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ وَكَشَفَتۡ عَن
(۴۳) گفته شد به آن زن داخل شو در این قصر پس چون دید [زمین] آن را پنداشتش که آبی ژرف است و برچید [دامن را] از

سَاقَيۡهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرۡحٞ مُّمَرَّدٞ مِّن قَوَارِيرَۗ قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي
هر دو ساق خود [سلیمان] گفت همانا این قصری است صاف و صیقلی از بلور [بلقیس] گفت [ای] پروردگارم همانا من

ظَلَمۡتُ نَفۡسِي وَأَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٤﴾
ستم کردم بر خود و تسلیم شدم با سلیمان در برابر الله که پروردگار جهانیان است (۴۴)

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ فَإِذَا

و هر آینه فرستادیم ما به سوی ثمود برادرشان صالح را اینکه بپرستید الله را پس ناگهان

هُمۡ فَرِيقَانِ يَخۡتَصِمُونَ ﴿۴۵﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُونَ

آنان دو گروه شدند که دشمنی می ورزیدند با یکدیگر (۴۵) [صالح] گفت ای قوم من چرا به شتاب می طلبید

بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِۖ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ

بدی [نزول عذاب] را پیش از نیکویی؟ چرا آمرزش نمی خواهید از الله باشد که شما

تُرۡحَمُونَ ﴿۴۶﴾ قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ

مورد رحمت قرار گیرید (۴۶) گفتند به فال بد گرفتیم تو و هر که با توست گفت فال بدتان

عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ ﴿۴۷﴾ وَكَانَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ تِسۡعَةُ

نزد الله است بلکه شما گروهی هستید که آزمایش می شوید (۴۷) و بودند در آن شهر نُه

رَهۡطٖ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ﴿۴۸﴾ قَالُواْ

کس [یا گروه] که فساد می کردند در زمین و اصلاح نمی کردند (۴۸) گفتند

تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدۡنَا

درحالی که در بین خود قسم خورده بودند به الله که هر آینه شبیخون می زنیم بر او و خانواده اش آنگاه هر آینه می گوییم به وارث او که حاضر نبودیم [شرکت نداشتیم]

مَهۡلِكَ أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿۴۹﴾ وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا

در هلاک شدن اهل او و همانا ما راستگوییانیم (۴۹) و به کار گرفتند آنها نیرنگی را

وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿۵۰﴾ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ

و ما نیز به کار گرفتیم نیرنگی را حال آنکه آنان نمی فهمیدند (۵۰) پس ببین چگونه

كَانَ عَٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ

شد انجام نیرنگ شان که همانا ما نابود کردیم ایشان را و قوم شان را همگی

﴿۵۱﴾ فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

(۵۱) پس این است خانه هایشان که خالی و خراب افتاده است به سبب ستمی که کردند همانا در این [داستان]

لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿۵۲﴾ وَأَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

نشانه ای است برای گروهی که می دانند (۵۲) و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند

وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿۵۳﴾ وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ

و پرهیزکار بودند (۵۳) و[یاد کن] لوط را آنگاه که گفت به قوم خود

أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ﴿۵۴﴾ أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ

آیا می کنید این کار زشت را حال آنکه شما می بینید [که چقدر این کار زشت و نارواست] (۵۴) آیا شما سراغ می گیرید

ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ﴿۵۵﴾

مردان را از روی شهوت به جای زنان؟ بلکه شما گروهی نادانید (۵۵)